

سختی و آسانی همیشه به دنبال هم می آیند

احمد عبدالقیان| در ادامه مرور سوره های کوچک قرآن کریم، آیات یک تا ۵ سوره مبارک شرح را باهم تلاوت می‌کنیم که خداوند متعال می‌فرماید: «أَلَمْ تَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ الَّذِي أَنقَضَ ظَهْرَكَ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِيَّا يَمِيبُ إِيَّاهُ يَتُوسَّحِرُ صَدْرَ عَظَا نَكْرَدِيمَ؟ وَبَارِ سَكِينَتِ رَا زِ [دوش] تو برنداشتیم؟ آن [بار گرانی] که برای تو کمرشکن بود و نام تو را بلند [آوازه] گردانیدیم، پس [بدان که] با هر سختی، آسانی است.» در سوره قبل (ضحی) گفتیم که خداوند به پیامبرش فرمود که تو را رها نکرده ایم و در این سوره هم به نوعی ادامه می‌دهد چگونه تو را رها کرده، کسی که بزرگ‌ترین الطاف و سرمایه‌ها را که «شرح صدر» است، به تو داده و بار مشکلات را از دوش تو برداشته است؟ «شرح صدر» به معنای گشایش سینه و زیاد شدن ظرفیت انسان است تا بتواند ناملازمات را تحمل کند و در مشکلات و سختی‌ها صبر و پایداری ورزد. هنگامی که خداوند، حضرت موسی^ع را به رسالت برگزید، اولین خواسته ایشان نیز سعه صدر بود.

در ادامه، این آیه معروف آمده است که «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» و درواقع سنت و برنامه الهی را بیان می‌کند که با هر دشواری، گشایش می‌آید. بنابراین وقتی می‌دانیم و لمس کرده‌ایم که نمی‌توان غم و غصه‌ها و مشکلات زندگی را کم کرد، پس باید ظرفیت و تحمل خود را افزایش دهیم تا در ادامه زندگی کم نیاوریم؛ چون می‌دانیم که هر سختی گشایش‌هایی در دل خود دارد و با هر سختی، آسانی وجود دارد و خداوند همان طور که به پیامبر خود کمک کرد، به مؤمنان نیز یاری می‌رساند.

حکمت

«نمی‌دانم» گفتن، اوج معرفت است

علیرضا وکیلی| شاید برایتان پیش آمده باشد که در یک جلسه، از شما چیزی پرسیده باشند که هیچ اطلاعی درباره آن نداشته‌اید، اما به جای آنکه بگویید «نمی‌دانم»، جمله‌ای گفته باشید که شبیه جواب باشد. چرا این کار را می‌کنیم؟ چون از اعتراف به ندانستن و اطلاع نداشتن می‌ترسیم و گمان می‌کنیم «نمی‌دانم» یعنی ضعف، کوچکی یا شکست خوردن در برابر دیگران. اما واقعیت چیز دیگری است؛ آنانی که غرورشان را زیر پا گذاشتند و این یک کلمه ساده را به زبان آوردند، بلندترین جایگاه‌ها را در دل افراد دانا به دست آوردند.

حضرت امیرالمؤمنین علی^ع یازهم در دل وصیت‌پذارنه خود در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه، یک تله خطرناک دیگر را به فرزندشان امام حسن^ع نشان می‌دهند: «وَأَيُّكَ وَالْخَوَافُ فِي أَهْلِ الْعِلْمِ، فَإِنَّ الْقَوْلَ إِذَا لَمْ يَقِفْ عَلَى ثِيَابِ عِلْمٍ صَاحِبِهِ يَقِيلُ، وَازْ يَسْخُ دَادِنِ دَرِبْرَابِرِ أَهْلِ دَانِشِ بِيَرْهِيْزِ، زِيْرَا سَخْنُ أَكْرِ بَرِ بِيَانِي اسْتَوَار نَبَاشِد، صَاحِبِش رَا بَه كَجِي وَ انْحِرَافِ مِي كَشَانِد.»

درقرارپیشین، ازایمان به «نمی‌دانم»، سخن گفتیم؛ اکنون امام^ع یک قدم فراتر می‌روند و نشان می‌دهند که مرزبندی، «سکوت از رویه دانایی» است. اینجا سخن از خودنمایی نیست، سخن از این است که در برابر کسانی که آگاه‌ترند، ما حق نداریم با ادعای دروغین دانایی وارد گفت‌وگو بشویم. پاسخی که بر «بیان» استوار نباشد – یعنی بی‌پایه، بی‌دلیل و بی‌صداقت – سرانجام گوینده‌اش را آلوده می‌کند و شان او را میان اهل دانش، کج و منحرف می‌سازد. چرا؟ چون دروغ از سر نادانی نه فقط آبرو نمی‌سازد، بلکه اعتماد را هم می‌سوزاند.

انسان امروز به جای دانش، مدرک گرفته است و به جای آنکه «دانسته» باشد، فقط دوست دارد «صاحب‌نظر» دیده شود. همه جا می‌گویند «نظر تو چیست؟» و ما حس می‌کنیم موظفیم برای هر موضوعی، جواب و نظری داشته باشیم، اما کلام امام^ع به ما می‌آموزد که «جواب بدون بررسی»، آسیبی است که با هیچ «گفته‌شدنی» جبران نمی‌شود؛ ماندن در سکوت آگاهانه، به مراتب ارزشمندتر از پاسخی است که به قیمت خیانت به حقیقت و کاستن از شان خودمان، داده شود.

پذارنه این نکته را بیاموزیم که دانایی یک آدم دانا در آن نیست که به هر سؤالی جواب دهد، بلکه در این است که می‌داند «چه وقت باید ساکت بماند.» پاسخ بی‌پایه، ممکن است یک لحظه توجه افراد را جلب کند، اما هرگز اعتماد نمی‌سازد. آنان که بنیان می‌سازند، با پشتوانه می‌سازند و آنان که به دنبال فنپیان‌اند، می‌دانند که گاهی بلندترین کلام، سکوت پرمعناست.

احکام

حکم نگهداری گربه در خانه چیست؟

سمانه رضوانی| نگهداری حیوانات خانگی از قدیم درمیان مردم رایج بوده و در سال‌های اخیر نیز با تغییر سبک زندگی، توجه به این موضوع بیشتر شده است. در این میان، گربه جزو حیواناتی است که بعضی خانواده‌ها به نگهداری آن علاقه دارند. گربه حیوانی است که به‌طور معمول در خانه زندگی می‌کند، بر روی مبل و فرش رفت‌وآمد می‌کند و ممکن است موش بر لباس و بدن افراد بنشیند. همین مسئله باعث شده است که برخی افراد درباره حکم شرعی نگهداری گربه، به‌ویژه از نظر تأثیر آن بر طهارت و صحت نماز، سؤال کنند و از آنجا که در فقه اسلامی، نجاست ادرار و مدفوع حیوانات و همچنین موی آن‌ها احکام خاصی دارد، لازم است دیدگاه مراجع عظام تقلید در این باره بازگو شود. در ادامه، نظر سه نفر از مراجع بزرگ درباره نگهداری گربه و احکام مرتبط با آن را بیان می‌کنیم.

آیت‌الله‌العظمی شهید سیدعلی خامنه‌ای:

نگهداری گربه فی نفسه مانعی ندارد؛ هرچند باید احکام مربوط به نجاست (بول و مدفوع) و موی آن برای نماز، مراعات شود.

آیت‌الله‌العظمی ناصر مکارم شیرازی:

با توجه به اینکه فضله گربه نجس است و بودن موی آن بر لباس نمازگزار، موجب فساد نماز او می‌شود، سزاوار است جز در موارد ضرورت، از آن پرهیز شود.

آیت‌الله‌العظمی سید علی سیستانی

تربیت و نگهداری مانعی ندارد و اگر موی آن‌ها به مقدار یک یا دو تار مو باشد، نماز را باطل نمی‌کند.

جمع‌بندی:

براساس دیدگاه مراجع عظام تقلید، اصل نگهداری گربه حرام نیست و مانعی ندارد، با این حال رعایت طهارت و پاکیزگی لباس و بدن برای نماز، ضروری است. همچنین درباره موی گربه، اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی آن را مبطل نماز می‌دانند و برخی مقدار بسیار کم آن را بی‌اشکال می‌دانند، بنابراین فردی که گربه‌ای را نگهداری می‌کند، باید به احکام نجاست و موی حیوان براساس نظر مرجع تقلید خود، توجه کند تا نمازش صحیح باشد.

شکر

اشنبه

۲۳ شهریور ۱۴۰۵
۱۱ ربیع‌الثانی ۱۴۲۸
شماره ۱۰۸۵۵

۱۴



مهر

رمز نفوذ و پایداری رابطه با نسل نو در سیره نبوی

دل‌ها را دریابیم!

سید حمیدرضا حسینی دانشور

مدرس حوزه، پژوهشگر علوم رفتاری

گزارش



اگر این روزها پای درددل والدین، معلمان و مربیان بنشینید، یک گلایه مشترک را زیاد می‌شنوید: «با اینکه برای بچه‌ها کم‌نگذاشته‌ایم و مدام از خوبی‌ها برایشان می‌گوییم، اما احساس می‌کنیم روزی‌روز از ما دورتر می‌شوند و حرفمان، برش گذشته را ندارد.» اما گیر کار کجاست؟ در این نوشتار، به دنبال نسخه‌ای عملیاتی برای این دغدغه خانوادگی و اجتماعی، به‌سراغ کتاب زندگی، قرآن کریم، رفته‌ایم و پاسخ را از آیه ۱۵۹ سوره مبارک آل عمران، به‌عنوان یکی از آیات بیانگر سیره پیامبر اعظم^ص، جستجی‌ایم. این آیه به ما یادآوری می‌کند که تربیت، پیش از آنکه گفتن دستورات و بایدونبایدها باشد، نیازمند «چاشنی عاطفه»، است: «فَيَمَّا رَضَخَهُ مِنَ اللَّهِ لَبِثَ لَئِيمٌ...» منطق صریح آیه این است که حتی اگر پیامبر خدا هم باشی، بدون نرم‌خویی و جذب قلبی، آدم‌ها از کنارت پراکنده می‌شوند، پس ما چطور انتظار داریم با تندخویی، طعنه و ترش‌رویی، فرزندان را درکنار خودمان نگه داریم؟ در ادامه، پنج گام مهم از این آیه را باهم مرور می‌کنیم.

آرامش، در پناه نگاه خدا

پس از بررسی و هم‌فکری، والد باید سکان تصمیم‌گیری را با آرامش و اقتدار به دست گیرد تا ساختار خانواده متزلزل نماند. قرآن کریم می‌فرماید بعد از مشورت، قاطعانه تصمیم بگیر؛ «فَإِذَا عَزَمْتَ» اما نقطه کمال این مسیر، «توکل» است: «فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» و این همان درس توحیدی بزرگی است که اضطراب‌های کشنده والدین را درمان می‌کند. ما وظیفه داریم محبت کنیم، از خطا بگذریم، مشورت کنیم و شرایط را بیستجیم، اما نباید به هوش و محاسبات و تدبیر خودمان مغرور شویم. هدایت و عاقبت‌به‌خیری فرزندان ما به دست خداست؛ همچنان‌که همان عاطفه و محبت اولیه، جلوه‌ای از رحمت او بود: «فَيَمَّا رَضَخَهُ مِنَ اللَّهِ لَبِثَ لَئِيمٌ» توجه به این فرمان و تذکر الهی که می‌فرماید «درنهایت کارت را به خدا بسپار»، والدین را از کنترلگری وسواس‌گونه نجات می‌دهد و آرامشی عمیق به کل فضای خانه تزریق می‌کند.

به خطاکار، فرصت تنفس بدهیم

کودک در مسیر قد کشیدن و بزرگ شدن، حتماً خطا می‌کند؛ این خاصیت رشد است. هنر پدر و مادر در این است که بعد از خطای فرزند به درستی رفتار کنند. دستور قرآنی «فَاغْفِرْ لَهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ» بهترین نقشه راه است؛ اول گذشت از خطای او در مناسبات خانوادگی و دوم، دعا و خیرخواهی برای پاک شدن اثر آن اشتباه. والدی که مدام اشتباه چند ماه پیش فرزندش را چماق می‌کند و بر سرش می‌کوبد، او را یا لجباز می‌کند یا دچار ناامیدی و سرخوردگی، درحالی‌که بخشش، به نوجوان نشان می‌دهد که همچنان ارزشمند است. گذشت صادقانه و «فرصت‌دهی مجدد» به فرزند، حس امنیت می‌دهد و شخصیت آسیب‌دیده‌اش را دوباره بازسازی می‌کند تا با انگیزه به مسیر درست برگردد.



فَيَمَّا رَضَخَهُ مِنَ اللَّهِ لَبِثَ لَئِيمٌ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ

سخت‌دلی، خانه را خلوت می‌کند

قرآن کریم یک قانون تکان‌دهنده را پیش چشم ما می‌گذارد: «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ» یعنی اگر پیامبر^ص هم تندخو و سخت‌دل بود، اطرافیانش فرار می‌کردند و اطرافش خلوت می‌شد. این واقعیت تلخ، امروز در خیلی از خانه‌ها جاری است. والدینی که زبانشان به تحقیر، دادوبیداد، برچسب‌زدن و کنایه‌باز است، عملاً دارند فرزندشان را به سمت خلوت اتاق، فضای مجازی و پناه بردن به جمع‌های نامطمئن بیرونی هل می‌دهند. وقتی فضای خانه از نظر عاطفی ناامن و پرهرزیه باشد، فرزندان «دوری‌گزینی» را انتخاب می‌کنند. اگر می‌خواهیم بچه‌هایمان «کنار ما» بمانند و با ما رقیق باشند، چاره‌ای جز این نداریم که با «سعه صدر»، زبان و رفتارمان را لطیف کنیم و «درکنار ما بودن» را برای فرزندان، بی‌هرزیه کنیم.

مشورت، احترامی که مسئولیت می‌آورد

فرمان «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» در این آیه، اوج نگاه کرامت‌محور به انسان است. شاید ترجمه این دستور، در محیط خانواده، یک راهبرد تربیتی برای شخصیت دادن به فرزند باشد؛ یک مشارکت جویبی واقعی (و نه نمادین) برای فعال‌سازی عقلانیت و مسئولیت‌پذیری او. وقتی ما نظر فرزندان را می‌پرسیم، با زبان بی‌زبانی به او می‌گوییم: «فهم و عقل تو برای ما ارزشمند است.» گاهی اوقات نکته‌هایی به ذهن این نسل می‌رسد که اصلاً به فکر ما نرسیده است. گذشته از نتیجه کار، همین که فرزند حس کند صدایش شنیده شده است و رأی دارد، احساس تعلق و مسئولیت‌پذیری‌اش چند برابر می‌شود و دیگر در برابر تصمیم‌گیری‌های خانه، مقاومت نشان نمی‌دهد.

عزم‌های راسخ و بازوهای نیرومند

فراوان باشند اما اراده‌ها قوی نباشد، پیشرفت علمی و صنعتی حاصل نمی‌شود. عزم راسخ انسان، بدن را به‌کار می‌گیرد و نیروهای خفته در بدن را بیدار می‌کند و به او نیرو می‌بخشد، درست مانند کسانی که در حال معمولی، راه رفتن معمولی هم برایشان آسان نیست اما وقتی خطر مرگ وجود دارد، می‌پینید که مثل جوان‌ها می‌دوند. بدن با عزم راسخ همکاری می‌کند و عزم راسخ، اعضا و جوارح او را به‌کار می‌گیرد. هر هدفی که عزم قوی برای رسیدن به آن باشد، بدن متناسب با آن فعال می‌شود و به هدف می‌رسد؛ هرچند در ابتدا تصور شود که هدف دور از دسترس است. اگر در جایی جسم ما کارآیی لازم را ندارد، باید عزم و اراده را بررسی کنیم. اگر عزم راسخ باشد، بدن ضعف نخواهد داشت. رهبر شهید انقلاب، آیت‌الله‌العظمی امام سیدعلی حسینی خامنه‌ای رضوان الله تعالی علیه، همین حدیث شریف را در آغاز جلسه درس خارج خویش برای طلاب، خوانده و تفسیر کرده‌اند که برای اطلاع از آن، باید به سایت رهبری مراجعه کرد.

بزرگ راپیدا می‌کند، ظرفیت‌های بدن انسان آشکار می‌شود و استعدادها به صورت شگفت‌انگیزی شکوفا خواهد شد. انسان با اراده قوی، کارهای بسیار بزرگ و به‌ظاهر نشدنی را انجام می‌دهد. اراده قوی، توانایی هرکاری را به انسان‌ها می‌دهد. شعار «من می‌توانم» با اراده قوی در کارها تحقق پیدا می‌کند. با اراده‌های قوی و همان مؤمن، همه موانع زندگی برتر و رسیدن به حیات طیبه و رشد و سعادت مسلمانان جهان برطرف می‌شود. بر هر چیزی نیت انسان قوت و نیرو بگیرد، بدن ناتوانی ندارد. این حدیث به همگان هشدار می‌دهد خیال نکند که یک چیزی را انسان قدرت نیت پیدا کند، بعد بگوید بدن نمی‌تواند انجام بدهد، هرچه را انسان نیت و اراده کند، به شرط اینکه اراده قوی باشد، بدن توانایی انجام آن را دارد. با اراده‌های قوی، کشور ساخته می‌شود.

اگر دانش و تخصص‌های بالا و متخصصان



عقلیه هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد
آیت‌الله‌الاسلاموالاسلمین دکتر سید حمیدرضا نورانی

است صریح بر زبان نیز جاری شود. «بدن» به‌معنای کالبد و اندام و تن و جسد و تنه و جسم و پیکر انسان یا حیوان است. پیامبران الهی در رأس مردان بزرگ و بانیت و اراده در جهان بوده‌اند. اهل بیت و ائمه^ع قوی‌ترین اراده‌ها و نیت الهی را داشته‌اند. پیامبر اسلام^ص و امامان^ع در سراسر زندگی با نیت و اراده بی‌نظیر در راه خدا کار کرده‌اند. پیروان اهل بیت^ع باید دارای اراده قوی باشند تا ملت در جامعه اسلامی، پویا و زنده و سرآمد و پیشرفته‌ترین ملت‌های جهان شود. براساس این حدیث، پیوند «اراده» و «بدن انسان» بنیادین است. به هر میزان اراده انسان نیرومند و قوی باشد، بدنش نیز نیرومند و قوی می‌شود. آن‌ها که در کارها دچار ضعف بدنی، سستی و تنبلی و خمودگی می‌شوند، صاحب‌اراده‌های قوی نیستند. آنجا که اراده انسان بر کاری قوی شود، بدن او آمادگی انجام کارهای